

## فلسفه برای کودکان (P4C)

### مضامین فلسفی در داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی

\* احمد اکبری

\*\*\*\*  
طاهره جاویدی کلاته جعفرآبادی \*\*، بختیار شعبانی ورکی \*\*\*، محمد تقوی \*\*\*\*

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی مضامین فلسفی داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی به قصد استفاده در برنامه فلسفه برای کودکان است که با روش پژوهش فلسفی انجام شده است. برای این منظور نخست به بررسی برنامه فلسفه برای کودکان از منظر لیپمن و چگونگی توسعه و پیدایش رویکردهای مختلف پرداخته شد، آنگاه نشان داده شد که هر کدام از رویکردها به فلسفه برای کودکان به جنبه خاصی از فلسفه تأکید دارند. سپس با عنایت به ساحت‌های فلسفه، مسائل اساسی فلسفه در سه قلمرو هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی مشخص و در هر قلمرو سؤالات مهمی طرح و برای هر کدام از سؤالات نمونه داستانی از متون کلاسیک ادب فارسی ارائه شده است. نتایج نشان داد که فراهم کردن محتوای فلسفی متناسب با فرهنگ بومی برگرفته از متون کلاسیک ادب فارسی و بازنویسی آن‌ها متناسب با سن کودکان به عنوان رویکردی کل‌گرایانه که در آن به ابعادی چون فرایند تفکر، محتوای فلسفی، غنای ادبی و ویژگی فرهنگ وابسته بودن تفکر توجه داشته باشد، امکان‌پذیر است.

**کلیدواژه‌ها:** فلسفه برای کودکان، داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی، مضامین فلسفی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسکن (نویسنده مسئول) akbari.180@gmail.com

\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد tjavidi@ferdowsi.um.ac.ir

\*\*\* استاد دانشگاه فردوسی مشهد bshabani@ferdowsi.um.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد motaghavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1391/10/2، تاریخ پذیرش: 1391/11/18

## 1. مقدمه

فلسفه به معنای فلسفیدن، سابقه‌ای چند هزار ساله دارد. با وجود این فلسفه به شکل یک برنامه مدون و با عنوان فلسفه برای کودکان، طی چهار دهه اخیر در امریکا با تلاش‌های لیپمن و با هدف رشد تفکر در کودکان در دانشگاه مونتکلیر (Montclair State University in New Jersey, USA) زمانی پایه‌ریزی شد که لیپمن نسبت به سطح و کیفیت استدلال ارائه‌شده توسط شهروندان تحصیل‌کرده آمریکایی دچار نگرانی شد (Ndofirepi, 2011). ون سی لگم برنامه فلسفه برای کودکان را به عنوان یک تجربه آموزشی و نقدی بر اشکال سنتی آموزش و پرورش مورد توجه قرار داد (Vansieleghem, 2010). استفاده از فلسفه در برنامه‌های آموزشی و شیوه‌هایی تحت عنوان فلسفه برای کودکان، فلسفه با کودکان (philosophy with children) یا اجتماع پژوهشی (community of inquiry) در بسیاری از کشورهای جهان به خوبی تثبیت شده است (Biesta, 2011). امروزه فلسفه برای کودکان شهرت جهانی یافته و در بیش از 50 کشور دنیا مورد استفاده قرار گرفته است (Lyle & Thomas-Williams, 2012). با این حال قبل از سرمایه‌گذاری در فلسفه برای کودکان لازم است تا به نتایج موفقیت‌آمیز این برنامه اعتماد کرد (Lyle & Thomas-Williams, 2012). در هر حال فلسفه برای کودکان به سرعت در سایر کشورها مورد توجه قرار گرفت، به گونه‌ای که امروزه این برنامه به شیوه‌های مختلف و با تغییراتی چند در شکل اجرا و محتوای داستانی آن در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه برنی فیه (Brenifier) در فلسفه با کودکان استفاده از تاریخ فلسفه را جایز شمرد، ساتکلیف (1387) معتقد است فلسفه به همراه کودکان (PWC) از بحث و گفت‌وگو راجع به آرای فلسفی سود می‌برد، اما نه صرفاً به واسطه داستان‌های نوشته‌شده برای کودکان و نوجوانان (به نقل از ناجی، 1387). فیشر (Fisher) استفاده از داستان‌های فکری موجود در متون ادبی را به عنوان شیوه‌ای نو ارائه داد و یسپرسن (Jespersen) به فرهنگ وابستگی این برنامه اشاره و استفاده از داستان‌های بومی را به عنوان شیوه‌ای برای حل مشکل فرهنگ وابستگی داستان‌های لیپمن دانست. با این شرایط علاقه‌مندان به فلسفه برای کودکان با رویکردهای مختلف روبه‌رو هستند. مثلاً در ایران توجه به برنامه لیپمن را می‌توان در طرح دیدگاه‌ها و ترجمه مقالات، پایان‌نامه‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و کارگاه‌های مختلف مشاهده کرد. هم‌زمان با ترجمه داستان‌های لیپمن، داستان‌های فرهنگ وابسته مستخرج از ادبیات

داستانی کشور دانمارک که توسط یسپرسن بازنویسی شده مورد شناسایی قرار گرفته است. دنیای سوفی به عنوان آموزش تفکر به کمک داستان‌هایی مرتبط با تاریخ فلسفه ترجمه و بارها تجدید چاپ شده است و داستان‌های فکری فیشر و داستان‌های فلسفی جهان پیکمال (Piquemal) نیز از نظر دور نبوده است. هریک از علاقه‌مندان به این برنامه با ترجمه یا نقد آثار فلسفه برای کودکان تلاش کرده‌اند تا به توسعه این برنامه در ایران کمک کنند، به شکلی که تحقیقات زیادی در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری (جهانی، 1380؛ فائدی، 1382؛ مرعشی، 1385؛ هاشمی، 1385؛ سجادیان جاغرق، 1386؛ قضاوی، 1386؛ مختاری، 1386؛ هدایتی، 1387؛ خارستانی، 1387؛ حسینی، 1387؛ رمضان‌پور، 1387؛ فرزانه‌فر، 1389) انجام شده است. با این حال چگونگی بهره‌گیری از فلسفه برای کودکان هنوز هم مورد تردید و با اما و اگر همراه است. به منظور دست‌یابی به شیوه‌ای مناسب در آموزش تفکر به کمک فلسفه برای کودکان به بررسی رویکردهای موجود در فلسفه برای کودکان پرداخته شده است تا ضمن شناسایی ویژگی‌های هریک، بتوان به رویکردی مناسب از فلسفه برای کودکان دست یافت.

## 2. رویکردهای مربوط به فلسفه برای کودکان

بررسی رویکردهای مربوط به فلسفه برای کودکان نشان می‌دهد که در فلسفه برای کودکان چهار رویکرد مختلف وجود دارد:

**الف) رویکرد فرایندی (روشی)** یا فلسفه به‌مثابه روش (philosophy as method) که یکی از معانی فلسفه است و فلسفه را به عنوان نوعی فعالیت می‌داند. فعالیتی که منجر به شناسایی و فهم امور می‌شود. بسیاری از فیلسوفان از زمان سقراط تاکنون با این تلقی از فلسفه موافق بوده‌اند. آن‌ها چگونگی تحقق این فعالیت را فلسفه نامیدند. اهمیت روش فلسفیدن در فلسفه برای کودکان تا به آن‌جاست که برخی معتقدند فلسفه به وسیله روش آن قابل شناسایی است. ویژگی‌های فلسفه به وسیله محتوا یا موضوعی که مورد مطالعه قرار می‌دهد، توصیف نمی‌شود؛ بلکه توسط رویکرد یا روشی که استفاده می‌کند، توصیف می‌شود (Finocchiaro, 1993: 622). این رویکرد بر فعالیت فلسفی و طرح محتوای داستانی تأمل‌برانگیز، به منظور تسهیل فرایند فلسفیدن تأکید دارد. لیپمن بر روش فلسفیدن تأکید داشت، روشی که در آن پرسش‌های فزاینده به نحوی مطرح می‌شوند که پاسخ به هر سؤال فقط به سؤالات پیش‌تر منجر می‌شود (Murriss, 2000: 261).

ب) رویکرد محتوایی یا فلسفه به‌مثابه محتوا (philosophy as content) که بر تاریخ فلسفه و محتوای فلسفه در قالب داستان تأکید دارد، چراکه با توجه به اهمیت محتوای فلسفی باید گفت، این محتوا نه‌تنها برای کودکان که برای برخی بزرگسالان نیز قابل فهم نیست. ساده‌سازی و قابل فهم کردن این محتوا، به منظور استفاده کودکان از این متون را می‌توان در آثار کلاسیک فلسفه اثر واربرتون (1388)، لذات فلسفه اثر دورانت (1952)، داستان فلسفه اثر مگی (1988)، فلسفه برای کوچک‌ترها اثر وایت (2001)، 50 ایده فلسفه که باید بدانید اثر دوپره (1390)، گردش در دنیای فلسفه برای جوانان اثر ویت (1387)، دنیای سوفی اثر گُردر (1390)، به عنوان رویکردی محتوا محور در فلسفه برای کودکان دانست. چنین رویکردی را می‌توان در قصه الغریبه الغریبه و حی ابن یقظان نیز مشاهده کرد. این رویکرد تلاش دارد تا با بهره‌بردن از اندیشه‌های فلسفی بعضاً پراکنده و طرح دیدگاه‌های موجود در مکاتب فلسفی به تشکیل معرفتی منسجم از طریق آشنایی کودکان با اندیشه‌های فیلسوفان کمک کند.

پ) رویکرد مبتنی بر پیوند فلسفه و ادبیات که در آن بر متون داستانی ادبیات کهن به عنوان محتوای فلسفی تأکید می‌شود، در پیوند بین فلسفه و ادبیات رفتن به سراغ کتاب‌های فلسفی کافی نیست؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌های بزرگ فلسفی همچون اندیشه‌های سقراط لزوماً از متون فلسفی استخراج نشده‌اند. سقراط هرگز متنی فلسفی ننوشته و تنها نظرات خود را به صورت گفت‌وگوی شفاهی بیان کرده است. آن‌ها معتقدند از همان دوران، تداخل ادبیات و فلسفه یک امر بدیهی بوده است در نتیجه نمی‌توان تمایزی بین ادبیات و فلسفه قائل شد (Hagberg & Jost, 2010). بدین سبب در ادبیات هم می‌توان مضامین فلسفی را یافت به‌خصوص در داستان‌های فلسفی که از ناخودآگاه نویسنده برآمده است. فرزانفر و همکاران (1389) اظهار می‌دارند که داستان ادبی در بیش‌تر مواقع از ناخودآگاه نویسنده برمی‌خیزد و می‌تواند قابل شمول‌تر و عام‌تر باشد.

ث) رویکرد مبتنی بر زمینه فرهنگی متون که بر فرهنگ وابستگی محتوای داستان فلسفی و طرح، انتخاب، و بازنویسی داستان‌هایی از فرهنگ بومی تأکید دارد. فلاسفه متعددی چنین استدلال کرده‌اند که یک فرهنگ افریقایی «تاب» وجود دارد که تفکر افریقایی از آن سرچشمه می‌گیرد. دیگران نیز مانند ویردو این‌گونه استدلال کرده‌اند که در میان تفاوت‌های فرهنگی، خصوصیات عام فرهنگی نیز وجود دارند که امکان انتقال و ارتباط تفکر را فراهم می‌سازند (کارل و گامز، 1389: 184). بر این اساس اندیشه یک محصول

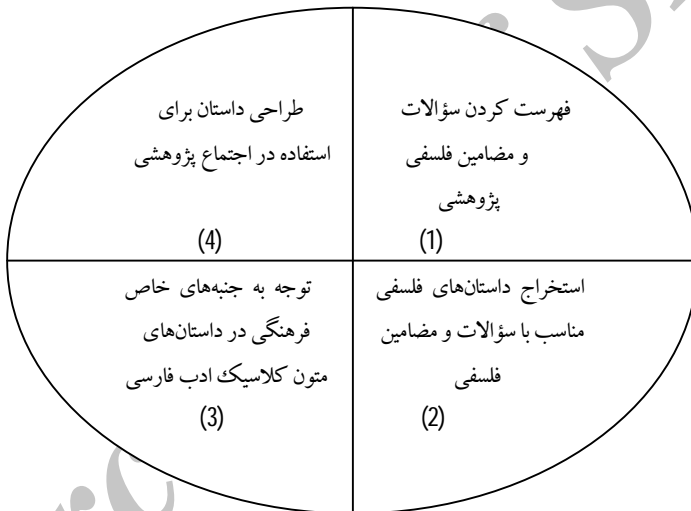
فرهنگی است، همان‌طور که عقل، منطق، و زبان را یک محصول فرهنگی می‌دانیم، فلسفه در فلسفه برای کودکان چه به‌مثابه روش دیده شود و چه به‌مثابه محتوا، فرهنگ‌بنیان است. این خصیصه فرهنگ که منجر به شکل‌گیری نوع خاصی از اندیشه می‌شود را می‌توان از جنبه‌های خاص فرهنگی دانست. وجود جنبه‌های خاص فرهنگی باعث شد تا استفاده از داستان‌های اولیه که توسط لیپمن و همکاران او در امریکا طراحی شده بود در سایر کشورها با انتقاداتی روبه‌رو شود، از جمله این منتقدان اسپرسن است که با نقد محتوای داستانی لیپمن استفاده از آن را برای سایر جوامع مناسب نمی‌داند.

رویکردهای یادشده، محتوای داستانی خاصی طراحی کرده‌اند که در جدول 1 آمده است.

جدول 1. انواع داستان در رویکردهای مربوط به فلسفه برای کودکان

محتوای داستانی	رویکردها	
لیپمن (1973 تا 1988)؛ استدلال و تفکر (الفی)، فلسفه طبیعت (کیو و گس)، جست‌وجوی معنا (بیکیسی)، شناخت‌شناسی (کشف هری استوتلمیر)، بحث‌های اخلاقی (لیزا)، بحث‌های زیبایی‌شناسی (سوکي)، بحث‌های سیاسی و اجتماعی (مارک)، لیپمن (1389) سه ویژگی عمده یعنی غنای ادبی، تناسب روان‌شناختی، و غنای فلسفی را برای داستان‌های فلسفه برای کودکان ضروری می‌داند.	فرایندی (روشی)	انواع داستان در برنامه فلسفه برای کودکان
گرد در دنیای سوفی: تو کیستی (باغ عدن)، جهان چگونه به وجود آمده است؟ (کلاه شعبده‌باز)، خدایان یونانی (اساطیر)، هنر گفت‌و شنود (سقراط)، روح فناپذیر (افلاطون)، منطق (ارسطو)، عقل و دین (فرون وسطی)، ادراک حسی و عقل (کانت)، مسئله اصلی هستی خود هر انسان (کگارد)، کشتی حامل زن بر پهنه زندگی (داروین)، ما نیز ذراتی از ستارگانیم (انفجار بزرگ) مورد توجه قرار می‌گیرد. وایت (1387) برخی مسائل مورد علاقه فلاسفه مانند هیچ، شانس، وجود، زمان، تغییر، اختیار، همبستگی پدیده‌ها، حرکت، درستی، شک، قانون، دانستن، درک، شعور، دروغ، عدل و انصاف، دوستی، تلاش، صبر، صدقه دادن، خشونت و ارتباط با هم‌نوع را مطرح می‌کند.	محتوایی	
فیشر (1387) موضوع‌هایی چون انصاف، آزادی، دوستی، حقیقت، دانش، قضاوت و عنوان‌هایی چون خشم، حقوق حیوانات، زیبایی، زورگویی، تغییر، جرئت و ترس، مرگ، انصاف، آزادی، دوستی، ارواح خیر و شر، خوشبختی، امید، دانش، عشق، شانس، حافظه، راز، اسم‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، واقعی و غیرواقعی، اسرار، دزدی، داستان‌ها، حقیقت، زمان، خواست‌ها و نیازها، من کیستم؟، خرد و یادگیری را مورد توجه قرار می‌دهد. پیکمال (1388) مجموعه‌ای از حکایات را با عنوان داستان‌های فلسفی جهان گردآوری کرده است. این افسانه‌ها هم‌زیستی انسان‌ها را به آن‌ها یادآوری می‌کنند.	پیوند فلسفه و ادبیات	
اسپرسن (1384): پرسش‌های ساده‌ای مطرح کرد، مانند: چرا زندگی می‌کنیم؟ هدف زندگی چیست؟ چرا ما این‌جا هستیم؟ آیا ما روح داریم؟	توجه به فرهنگ	

با توجه به جدول 1 می‌توان گفت که داستان‌های لیپمن پژوهش‌هایی است در مضامین فلسفی، علمی، اجتماعی، و اخلاقی؛ دنیای سوئی حاوی مضامین فلسفی طرح‌شده در تاریخ فلسفه، به شکل زمان و با زبانی کودکان است؛ داستان‌های فیشر و پیکمال مجموعه‌ای از حکایت‌های فلسفی جهان است با غنای ادبی و خاصیت داستانی؛ و بالاخره در داستان‌های طرح‌شده توسط یسپرسن بر تناسب فرهنگی داستان تأکید شده است. با وجود چنین تلاش‌هایی در آموزش تفکر به کمک فلسفه، باید گفت تنها زمانی می‌توان به حقیقت فلسفه دست یافت که هم به فرایند فلسفیدن، هم به محتوای فلسفی، هم به گستردگی فلسفه در خارج از متون فلسفی و هم به جنبه‌های فرهنگی موجود در محتوای فلسفی توجه شود. چنین نگاه کل‌گرایانه‌ای در شکل 1 ترسیم شده است.



شکل 1. مراحل تحقق نگاه کل‌گرایانه به فلسفه برای کودکان

با توجه به شکل 1 و با عنایت به تاریخ فلسفه و سؤالات اساسی فلسفه، به فهرستی از مضامین و سؤالات مهم فیلسوفان نیاز است، تا به کمک آن داستان‌های فلسفی موجود در متون کلاسیک ادب فارسی انتخاب شود و اما تعریفی واحد از فلسفه وجود ندارد، همچنان که دادبه (1378: 21) اظهار می‌کند:

به دست دادن تعریفی واحد از فلسفه یا تعریفی که مورد قبول همه متفکران باشد، کاری است سخت، دشوار، و ناممکن. طرح‌کردن موضوع و مسائلی که مورد پذیرش همه مکتب‌ها قرار گیرد نیز کار آسانی نخواهد بود.

کارل و گامز (1389) رویکرد ذات‌گرایانه را مبتنی بر مجموعه‌ای از پرسش‌ها می‌دانند که در قرون مختلف تا حدودی ثابت بوده و نسل‌های مختلف به نوعی به آن پرداخته‌اند. مجموعه پرسش‌های فلسفی که در تاریخ فلسفه در قالب مقوله‌های فلسفی مطرح شده‌اند، آن‌گونه که نقیب‌زاده (1377)، علوی (1386)، و گریز (1383) تصریح می‌کنند، در حوزه‌های زیر خلاصه می‌شوند:

هستی‌شناسی (ontology): چه چیز واقعی است؟	مقوله‌های فلسفی (axiology)
معرفت‌شناسی (epistemology): پرسش از ماهیت آگاهی	
اخلاق (etics): پرسش از ماهیت خوبی و بدی	
زیبایی‌شناسی (aesthetics): پرسش از ماهیت زیبایی	

محتوای فلسفه برای کودکان شامل داستان‌هایی با مباحث متنوع فلسفی چون معرفت‌شناسی، متافیزیک، زیبایی‌شناسی، اخلاق، و منطق است (ناجی، 1383). اهمیت این مباحث تا آن‌جاست که لیپمن به کمک تاریخ 2500 ساله فلسفه، مهم‌ترین مفاهیم، روش‌ها و پرسش‌های پایدار فیلسوفان بزرگ را محور داستان‌های فلسفی برنامه خود قرار داد. بیش از لیپمن آن‌گونه که ناجی (1387) اشاره می‌کند، رویکرد فلسفه با کودکان (PWC) به مضامین فلسفی توجه و البته از بحث و گفت‌وگو راجع به آرای فلسفی سود می‌برد. مضامین فلسفی به شکل دسته‌بندی‌شده در سه حوزه اصلی فلسفه یعنی هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، و ارزش‌شناسی در کار برخی از علاقه‌مندان به فلسفه همچون، وایت (1389) دیده می‌شود. همچنین در داستان فلسفه اثر مگی و فلسفه برای کوچک‌ترها اثر وایت توجه به این مسائل نیز به چشم می‌خورد. طرح مسائل اساسی فلسفه به زبان داستانی در آثار مذکور تجربه‌های مفیدی در فلسفه برای کودکان بوده است، پرداختن به چنین محتوایی بر اساس آثار ادب فارسی نیز می‌تواند مفید باشد. در ادامه داستان‌های ادب فارسی از منظر تناسب با سؤالات هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، و ارزش‌شناسانه بررسی و نمونه‌هایی از این داستان‌ها انتخاب شده است.

### 3. داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی

در گستره ادبیات فارسی، داستان‌سرایی جایگاه ویژه‌ای داشته است. درباره این‌که داستان چیست و در زبان فارسی چه انواعی دارد، تقوی (1376) اظهار می‌دارد که «در زبان فارسی آن بخش از آثار ادبی را که به شرح و نقل واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع به هم پیوسته درباره

اشخاص، اشیاء یا دیگر موجودات می‌پردازد، داستان می‌گویند که معادل عربی آن قصه، تمثیل، یا حکایت است که یکی از قدیمی‌ترین موارث بشر (چهار هزار سال قبل از میلاد) و زیرمجموعه حیات فرهنگی اوست». کشورهای که سابقه تاریخی بیش‌تری دارند از حیات فرهنگی گسترده‌تری نیز برخوردارند. قزل‌ایاغ (1389) معتقد است که «ایران کشوری است با سابقه دیرینه فرهنگی، شش هزار سال تمدن و 2500 سال تاریخ مدون که ادبیاتی غنی و پربر، هم در شکل شفاهی و هم در شکل نوشتاری، دارد». داستان‌های فارسی اشکال و کاربردهای زیادی دارند. تقوی (1376) درباره انواع داستان و کاربردهای آن اظهار می‌دارد که «داستان را ماده خام تمام اشکال ادبی (حکایت، رمان، تمثیل، سرگذشت، افسانه، اسطوره، و قصه) دانسته‌اند و این ماده خام تمام انواع را از اسطوره تا داستان‌های امروزی (رمان و داستان کوتاه) دربر می‌گیرد. مهم‌ترین انواع داستان عبارت‌اند از:

1. اسطوره‌ای حماسی که شناسنامه هر قوم است، مانند شاهنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی طوسی و سام‌نامه خواجه کرمانی؛
2. دینی مذهبی و تعلیمی، مثل بوستان و گلستان، مثنوی، آثار عطار؛
3. غنایی مانند یوسف و زلیخا، و بیژن و منیژه فردوسی؛ وامق و عذرا عصری؛ ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی؛ خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی و هشت بهشت امیر خسرو دهلوی؛
4. سرگرم‌کننده و سرگذشت‌عیاران مانند سمک عیار فرامرز بن خداداد و سندبادنامه و هزار و یک شب؛
5. رمزی مانند حی بن یقضان، رساله الطیر و سلامان و ابسال ابن سینا، قصه الغریبه الغریبه، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ و فی حاله الطفولیه سهروردی؛
6. تعلیمی.

با وجود آن‌که در برخی فرهنگ‌ها نوع خاصی از داستان وجود دارد یا به نوع خاصی از داستان اهمیت بیش‌تری داده‌اند، در ادبیات داستانی فارسی به ویژه آثار متقدم و کلاسیک معمولاً عناصر مختلف در یک اثر جمع‌اند؛ برای مثال، ما از شاهنامه به عنوان اثری حماسی یاد می‌کنیم، در حالی که پر از پند و اندرزهای اخلاقی، تعلیمات دینی، صحنه‌های بزمی و عاشقانه نیز می‌باشد. گستردگی و تنوع داستانی در ادب کلاسیک فارسی، به عنوان ظرفیتی قابل‌اعتنا، می‌تواند برای استفاده در فلسفه برای کودکان مورد مطالعه قرار گیرد. تنوع این داستان‌ها باعث شده است تا در زمینه‌های مختلف نمونه داستان مناسب کودکان را بتوان



یافت. آذریزدی از جمله کسانی است که داستان‌های کهن فارسی را برای کودکان بازنویسی کرده است. این داستان‌ها بارها تجدید چاپ شده و بعد از سال‌ها از انتشار آن، هنوز هم مورد علاقه کودکان است. مهم‌ترین آثار او قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب (1389) است که شامل قصه‌های کلیله و دمنه، قصه‌های مرزبان‌نامه، قصه‌های سندبادنامه و قابوس‌نامه، قصه‌های مثنوی مولوی، قصه‌های شیخ عطار، قصه‌های گلستان و ملستان، قصه‌های قرآن و قصه‌های چهارده معصوم است و در هر جلد از آن داستان‌هایی از کتب ادبی و دینی به زبان بچه‌ها آورده شده است. پناهی (1390: 4) اظهار می‌دارد:

در تاریخ ادبیات و تاریخ فلسفه ایران بخش خاصی به کودکان اختصاص نیافته است؛ اما اگر کتاب‌های بزرگسالان و خردسالان کاملاً تفکیک نشود و از میان نقش‌های اسلیمی و تودرتوی آن‌ها، بنا به ظرفیت طبقات و سن‌های گوناگون، هر کس حصه خویش را بجوید آن‌گاه کتابی مانند کلیله و دمنه هم می‌تواند برای کودکان شیرین و سرگرم‌کننده باشد و هم یک کتاب آموزش سیاست برای پادشاه تلقی شود. مرزبان‌نامه نیز چنین ویژگی‌ای دارد. این ویژگی در کتاب‌های عرفانی مانند مثنوی مولوی بیش‌تر است؛ زیرا داستان‌های تمثیلی آن‌ها برای هر مخاطبی آموزنده است و وی را به شگفتی و تفکر وامی‌دارد. از این دست داستان‌ها، داستان رمزی منطقی‌الطیر است. این داستان رمزی به جهت روانی زبان و جناس زبانی سیم‌مرغ و سی مرغ و طرح پرسش‌ها، گفت‌وگوها، حیرت‌ها، حرکت‌ها، تفهیم فلسفه سوفیسم وحدت وجودی، آموزش مهارت اندیشیدن، دیدار با خویشتن خویش و رسیدن به اصل خویشتن خویش، نقشی مهم و جنبه‌های مشترک بسیاری با طرح لیپمن دارد.

تنوع داستانی در ادب فارسی می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. تقوی (1376) اظهار می‌کند به طور کلی داستان‌ها با سه بعد از شخصیت آدمی سر و کار دارند. داستان‌های حماسی بیش‌تر با اراده و اختیار و قدرت مخاطب سروکار دارند؛ داستان‌های دینی، تاریخی، رمزی، و تعلیمی با دعوت به تعقل، اندیشه، و تقویت معرفتی مخاطب سروکار دارند و داستان‌های غنایی بیش‌تر با عواطف و احساسات سروکار دارند. در میان داستان‌های متون ادب فارسی که توسط ادبا، عرفا، و بعضاً فیلسوفان نوشته شده است، داستان‌هایی را می‌توان یافت که هم از نظر ادبی غنی هستند و هم در آن‌ها به مسائل فلسفی پرداخته شده است. (ناجی، 1384: 52) عنوان می‌کند:

عرفای اسلامی و حتی فیلسوفی مشائی همچون ابن سینا هم برای بیان و انتقال مطالبی به‌غایت انتزاعی، به روش داستان پناه بردند. داستان‌های مولانا جلال‌الدین نیز جزو آثار ادبی و عرفانی محسوب می‌شود. با وجود این می‌توان دید که غالب داستان‌های مثنوی به

مشکلی از مشکلات کلامی، اما روزمره، توجه می‌کند. مثلاً، مسائل جبر و اختیار، مسئله خیر و شر یا مسئله شناخت می‌توانند از جمله دغدغه‌های فلسفی مثنوی محسوب شوند، اما این سنت در شرق تداوم و بسط نیافت، بلکه در اروپا در زمان ژان پل سارتر بود که دیدگاه‌های فلسفی او در قالب نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها ریخته شد. البته این کار به روش‌های مختلف آزموده شده است. داستان دنیای سوفی نوشته گرودر یکی از این نمونه‌هاست.

در میان متون ادبی (پیوند فلسفه و ادبیات) که برگرفته از فرهنگ اسلامی - ایرانی است (فرهنگ وابستگی)، داستان‌هایی با مضامین فلسفی موجود است (محتوامحوری) که می‌توان آن‌ها را به شکلی پزنویسی کرد که در اجتماع پژوهی (فراینده‌محوری) مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین به کمک این داستان‌ها می‌توان به جنبه‌های بیش‌تری از فلسفه دست یافت. در ادامه به تبیین مسائل اساسی فلسفه و داستان‌های متون ادب فارسی مرتبط با این مسائل پرداخته می‌شود. از آن‌جا که پرداختن به همه سؤالات فلسفی ممکن نیست تنها به طرح نمونه‌ای از آن‌ها پرداخته می‌شود.

### 1.3 نمونه داستان‌های هستی‌شناسانه در متون کلاسیک ادب فارسی

هستی‌شناسی یکی از مسائل مهم فلسفه است، اسمیت (1370) اظهار می‌دارد هستی‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که طبیعت و ماهیت حسی یا وجود را مورد مطالعه قرار می‌دهد (فرمهبینی فراهانی، 1387: 414). دادبه (1378) یکی از مسائل فلسفه را تفکر در چیستی هستی یا وجود (جهان، انسان، و خدا) می‌داند که ارسطو آن را شریف‌ترین دانش‌ها شمرده است. سؤالات مربوط به هستی‌شناسی (ontology) در طول تاریخ فلسفه، فیلسوفان زیادی را به خود مشغول ساخته است. وایت (White) (1387) ضمن متفاوت دانستن سؤالات فلسفی با سؤالات عامیانه اظهار می‌کند که برخی سؤالات در خصوص واقعیت، فیلسوفانی چون، پارامیدس (Parmenides)، دموکریتوس (Democritus)، افلاطون (Plato)، آگوستین (Agostino)، اکویناس (Aquinas)، لاک (Lock)، هابز (Hobbs) و هگل (Hegel) را به خود مشغول ساخته است. گرودر (1390: 24) نیز فلسفه را با سؤال فلسفی و پاسخ به آن مرتبط می‌داند:

بهترین راه نزدیک‌شدن به فلسفه پرسیدن یکی چند پرسش فلسفی است: جهان چگونه به وجود آمد؟ آیا در پس آن چه روی می‌دهد اراده یا مقصودی نهان است؟ آیا پس از مرگ حیات هست؟ این مسائل را چگونه می‌توان پاسخ داد؟ و مهم‌تر از همه چگونه باید

زیست؟ آدمیان در طول سال‌ها و سده‌ها این پرسش‌ها را مطرح کرده‌اند. فرهنگی وجود ندارد که نخواستہ باشد بداند بشر چیست و جهان از کجا آمده است.

طرح مباحث هستی‌شناسانه برای کودکان مشکل است مگر این‌که به زبان داستانی بیان شود. تلاش برای طرح چنین مسائلی با زبان داستان و حکایت برای کودکان با موفقیت همراه بوده است. نمونه این توفیق را می‌توان در *داستان فلسفه اثر مگی*، فلسفه برای کوچک‌ترها اثر وایت و *دنیای سوفی* اثر گُردر مشاهده کرد. در میان داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی داستان‌هایی که به مسائل فلسفی اشاره داشته باشد وجود دارد. در ادامه نمونه این داستان‌ها که به مقوله جهان‌شناسی پرداخته‌اند، به شکل خلاصه نقل شده و بعد از آن مواردی چون، تأمل در داستان برای تفکر بیش‌تر، پرسش کلیدی و سؤالات احتمالی مطرح‌شده توسط کودکان درباره داستان ذکر شده و در پایان داستان نیز به ذکر دلایلی پرداخته شد که مناسب داستان را برای استفاده به عنوان محتوای فلسفه نشان می‌دهد.

### 1.1.3 مورچگان بر کاغذ

مولوی در دفتر چهارم مثنوی حکایت منظوم و تأمل‌برانگیزی دارد، با عنوان مورچگان بر کاغذ که به مسئله آفرینش و علت پیدایش امور پرداخته است. در این داستان آمده است:

مورچه‌ای کوچک قلمی را دید که بر روی کاغذ حرکت می‌کند، به دوست خود گفت: این قلم روان است که می‌چرخد و نقش‌های زیبا و عجیبی رسم می‌کند. آن مور گفت: این کار قلم نیست، کار اصلی را انگشتان انجام می‌دهند که قلم را به نگارش وامی‌دارند. مور سوم گفت: نه، فاعل اصلی انگشتان نیستند و آن‌ها خود اسیر دست هستند که آن‌ها نیز از نیروی بازو کمک می‌گیرند. مورچه‌ها همچنان بحث و گفت‌وگو می‌کردند. هر مورچه‌ای نظر می‌داد تا این‌که مسئله به بزرگ مورچگان رسید. او که دان‌تر و باهوش‌تر بود، گفت: این هنر از عالم مادی صورت و ظاهر نیست. این کار عقل است. تن مادی انسان با آمدن خواب و مرگ بی‌هوش و بی‌خبر می‌شود. تن لباس است. این نقش‌ها را عقل آن مرد رسم می‌کند.

### تأمل در داستان

مورچه‌ها با بررسی علت پیدایش نوشته‌ها از قلم به انگشتان و سپس دست و بازو و در نهایت عقل رسیدند. دنبال کردن این سؤال علت پیدایش جهان و انسان را به عنوان سؤالی اساسی مطرح می‌سازد. یکی از سؤالات اساسی در طول تاریخ فلسفه، سؤال از چگونگی پیدایش جهان است. دادبه (1378) واقعیت جهان بنیاد و حقیقت جهان و چگونگی پیدایش جهان را سه موضوع مهم در جهان‌شناسی عقلانی می‌داند. این سؤالات فلسفی در طول

تاریخ فلسفه مورد توجه بسیاری از فیلسوفان به‌خصوص فلاسفه پیش از سقراط بود. به‌عنوان مثال مگس (1388: 13) عنوان می‌کند پرسشی که بیش از همه ذهن تالس (Thales) را به خود مشغول می‌کرد، این بود: جهان از چه ساخته شده است؟ تالس فهمیده بود که جهان مادی ممکن است نهایتاً از یک عنصر یا ماده اولیه تشکیل شده باشد اما به اشتباه آن عنصر را آب می‌پنداشت. در مقابل هراکلیتوس (Heraclitus) می‌گفت: جوهر بنیادین عالم آتش است (ویت، 1387: 12).

در عین اهمیت فراوان این سؤال، پرداختن به چنین پرسش‌هایی برای کودکان مشکل است، اما استفاده از داستان‌هایی که بتواند تداعی‌کننده سؤالاتی از این دست باشد می‌تواند مفید باشد. همچنین کودکان با شنیدن این داستان به برخی مضامین تأمل‌برانگیز توجه و درباره آن سؤالاتی را مطرح می‌کنند از جمله:

- منظور و مفهوم داستان چیست؟
- نقش و نگارهای کاغذ چگونه پدید آمدند؟
- قلم روان چگونه نقش‌های روی کاغذ را پدید آورد؟
- آیا قلم می‌تواند به‌تنهایی نقش و نگار بر روی کاغذ طراحی کند؟
- آیا همه آدم‌ها می‌توانند به وسیله قلم به طراحی نقش و نگار بپردازند؟
- علت اشتباه مورچه‌ها در فهم دلیل نقاشی چه بود؟
- آیا از روی نوشته‌های آدم‌ها می‌توان به دانایی آن‌ها پی برد؟

#### مناسبت داستان

این حکایت که گفت‌وگوی مستمر بین مورچه‌ها درباره علت پیدایش پدیده‌هاست می‌تواند با ایجاد چالش ذهنی در کودکان و به عنوان محتوایی تأمل‌برانگیز فلسفیدن را در یک اجتماع پژوهشی تسهیل نماید. این داستان که به نسبت فهم انسان از جهان اشاره دارد، فیلسوفان زیادی را به خود مشغول ساخته است. همچنان که هراکلیتوس جوهر بنیادین جهان را آتش (به نقل از ویت، 1387) می‌داند، تالس ماده اصلی تشکیل‌دهنده عالم را آب (به نقل از مگس، 1388) می‌داند و به قول گُردر (1390) فرهنگی وجود ندارد که نخواسته باشد بداند بشر چیست و جهان از کجا آمده است. به عنوان نمونه، در دنیای سوفی گُردر سؤالی چون «جهان چگونه آغاز شده است؟» با عنوان باغ عدن آمده است؛ و یا دوپره برهان آفرینش را با عنوان ساعت‌ساز ایزدی مطرح می‌کند و دموکریتوس به سؤالی چون

«آیا شانس می‌تواند دلیل یک رخداد باشد؟» می‌پردازد. در میان ادبا نیز چنین دغدغه‌ای دیده می‌شود به عنوان نمونه:

از آغاز باید که دانی درست      سرمایه گوهراں از نخست  
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید      بدان تا توانایی آرد پدید

(شاهنامه فردوسی)

برخی دیگر از نمونه داستان‌های هستی‌شناسانه در جدول 2 آمده است.

جدول 2. نمونه داستان‌های هستی‌شناسانه متون کلاسیک ادب فارسی

نام نویسنده	نام متن ادبی	نمونه داستان	قلمرو
مولوی	مثنوی، دفتر چهارم	مورچگان بر کاغذ	هستی‌شناسی
مولوی	مثنوی، دفتر دوم	موسی و شبان	
سنایی	حایقه	ترس از مرگ	
عنصرالمعالی	قابوس‌نامه	خیاط و کوزه	
مولوی	مثنوی، دفتر سوم	کودکان مکبب و استاد	
مولوی	مثنوی، دفتر اول	پادشاه و کنیزک	
مولوی	مثنوی، دفتر اول	طوطی و بازرگان	
مولوی	مثنوی، دفتر اول	شیر بی‌دم و شکم	
مولوی	مثنوی، دفتر پنجم	باغ خدا، دست خدا، چوب خدا	
جامی	بهارستان	شتر و درازگوش	

### 2.3 نمونه داستان‌های معرفت‌شناسانه در متون کلاسیک ادب فارسی

معرفت‌شناسی یکی از مسائل اساسی فلسفه است. وایت (1387) ضمن بیان اهمیت و جایگاه پرداختن به مسئله شناخت در فلسفه اظهار می‌دارد سؤالات زیادی در خصوص شناخت، فیلسوفانی چون، زنو (Zeno)، ارسطو (Aristotle)، دکارت (Descarte)، بارکلی (Berkeley)، هیوم (Hyom)، کانت (Kant)، ویتگنشتاین (Wittgenstein)، سارتر (Sartre)، راسل (Russell) و دنت (Dennett) را به خود مشغول ساخته است. از سؤالات مهم در شناخت‌شناسی که فلاسفه درباره آن بحث کرده‌اند، حدود شناخت آدمی است:

از گذشته‌های دور اعتقاد بر آن بود که شیء دارای دو جنبه یکی ذات و دیگری ظاهر است و بحث از این‌که انسان می‌تواند از ظاهر امور فراتر رود و به ذات امور پی ببرد یکی از

سؤالات اساسی بود. از آن‌جا که همه متفکران درباره اهمیت و حدود شناخت انسان اتفاق نظری نداشته‌اند نظریه‌های مختلف پدید آمده است (دادبه، 1378: 102).

زنو در زمینه شناخت آدمی و مطابقت آن با امر واقع اظهار می‌دارد، آن‌چه ما از حرکت می‌بینیم با آن‌چه در حرکت اتفاق می‌افتد به یک شکل درک نمی‌شود. زنو شاگرد پارامندیس با طرح داستان آشیل و لاک‌پشت توضیح می‌دهد که حرکت اتفاق نمی‌افتد و فقط به نظر می‌آید که چیزی حرکت می‌کند. ارسطو درباره حرکت گفته است دیدن حرکت آسان است اما درک آن دشوار (به نقل از وایت، 1387: 43).

چنین مسائل مهمی در فلسفه و سایر علوم بوده و هست، اما طرح آن برای همه افراد ممکن نیست. مگر با شیوه‌ای از جمله کمک‌گرفتن از داستان. در ادامه نمونه داستان معرفت‌شناسانه که به مقوله شناخت عقلانی پرداخته، به شکل خلاصه نقل شده است. بعد از آن مواردی چون، تأمل در داستان برای تفکر بیش‌تر، پرسش کلیدی برای استخراج سؤال مهمی که برای کودک ایجاد می‌شود و سؤالات احتمالی مطرح‌شده توسط کودکان درباره داستان ذکر شده و در پایان داستان نیز به ذکر دلایلی پرداخته شده که مناسبت داستان را برای استفاده به عنوان محتوای فلسفه نشان می‌دهد.

### 1.2.3 سه ماهی که در آبگیری بودند

یکی از داستان‌هایی که به مقوله معرفت‌شناسی اشاره دارد، داستان سه ماهی است. در کلیه و دمنه حکایتی وجود دارد با نام سه ماهی که در آبگیری بودند. خلاصه این داستان این‌گونه است:

دو صیاد در مسیر برگشت از شکار به آبگیری رسیدند، در آن آبگیر سه ماهی را درون آب دیدند، خواستند آن‌ها را شکار کنند، اما وسایل صید همراه نداشتند. آن‌ها تصمیم گرفتند تا فردا وسایل صیادی را با خود بیاورند و ماهی‌ها را صید نمایند. ماهی‌ها که صدای صیادها را شنیدند، نگران شدند اما نمی‌دانستند چه باید بکنند. یکی از آن‌ها که خطر را جدی شمرد، تصمیم گرفت تا فرصت باقی است از برکه بگریزد، بنابراین با تلاش فراوان خود را به رودخانه رساند و راه دریا را در پیش گرفت. دو ماهی دیگر با نگرانی و اضطراب در برکه ماندند تا این‌که صیادها برگشتند و قبل از هر کاری مسیر برکه به جوی را بستند. آن دو ماهی راه فرار را بسته دیدند. یکی از آن دو سعی نمود برای نجات خود فکری کند تا این‌که تصمیم گرفت خودش را به مُردن بزند، بنابراین خود را بر روی آب انداخت و آب هم او را بی‌اختیار بالا و پایین می‌برد. صیاد وقتی آن ماهی را از آب گرفت دید که مُرده

است، بنابراین آن را بر زمین انداخت و مشغول گرفتن ماهی دیگر شد، در این فرصت ماهی که خود را مُرده نشان داد با تقلا خود را در جوی آب انداخت و فرار کرد. ماهی سوم حیران و سرگردان از دست صیادها به این طرف و آن طرف برکه می‌رفت تا شاید بتواند خود را نجات دهد، اما راه فراری باقی نمانده بود و گرفتار صیادان شد.

### تأمل در داستان

این داستان حاوی گفت‌وگوی مداوم چند ماهی با یکدیگر و گفت‌وگوی صیادان با هم است و به مسائلی چون، عقل، دوراندیشی، تقدیر، و سرنوشت که مسائل مهم فلسفی است اشاره دارد. شناسایی و راه رسیدن به آن به کمک عقل، یکی از سؤالات مهم فلسفه بوده است. ویل دورانت در کتاب *لذات فلسفه* می‌نویسد:

راست است که گزینه (احساس و عشق و ...) دوست‌داشتنی است و عشق لحظه‌ای از اندیشه سالی خوش‌تر است، اما امروزه باید از حق عقل دفاع کرد، چراکه عقل همواره یاور انسان بوده است و نه تنها در تمدن بلکه از همان وقتی که امواج عظیم یخ از قطب شمال به جنوب سرازیر شدند، عقل به فریاد انسان ضعیف رسید تا همچون ماموت‌های نیرومند نابود نشود (به نقل از دادبه، 1378: 118).

هر کدام از مکاتب فلسفی در خصوص راه دستیابی به شناخت و میزان اعتماد به آن اظهار نظر کرده‌اند. به عنوان مثال عقل‌گرایان بر این باورند که حقیقت واقعی را تنها می‌توان از طریق عقل آشکار کرد و نه با اعتقاد به آنچه حواس ما از جهان دریافت می‌کنند (ویت، 1387: 59).

سؤالاتی که ممکن است برای کودکان مطرح شود:

- منظور و مفهوم داستان چیست؟
- صیادان با دیدن ماهی‌های درون برکه چه تصمیمی گرفتند؟
- ماهی‌ها در برابر تصمیم ماهی‌گیران چکار کردند؟
- تفکر و دوراندیشی چیست؟
- آیا تاکنون به آینده کارها فکر کرده‌اید؟
- آیا می‌توان سرنوشت را رقم زد؟

### مناسبت داستان

این حکایت به مسئله مهم شناخت و در ذیل آن مباحثی چون تصمیم‌گیری و انواع تصمیم، پیامدها و نتایج هر تصمیم و همچنین بحث تقدیر و اراده پرداخته است. مسئله

شناخت در فلسفه، فیلسوفان زیادی را در تاریخ فلسفه به خود مشغول ساخته است. وایت (1389) اظهار می‌دارد: سؤال چه وقت می‌توانید بگویید، می‌دانم؟ از این‌گونه سؤالات است. درستی و نادرستی دانسته‌ها می‌تواند با توجه به نتیجه فکر یا چیز دیگری معلوم شود. بچه‌ها با تفکر در این مقوله می‌توانند به کسب معرفت در شرایطی منطقی‌تر رهنمون شوند. همچنین پیکمال (1390) چنین داستان‌هایی را فلسفی می‌داند. این داستان را می‌توان برای استفاده در یک اجتماع پژوهشی آماده کرد. چراکه در آن گفت‌وگو به عنوان یک ویژگی برجسته برای داستان‌های فکری وجود دارد. برخی دیگر از نمونه‌های داستان‌های معرفت‌شناسانه در جدول 3 آمده است.

جدول 3. نمونه داستان‌های معرفت‌شناسانه متون کلاسیک ادب فارسی

منشی	کلیله و دمنه	سه ماهی که در آگیری بودند	شناخت‌شناسی
مولوی	مثنوی، دفتر اول	بقال و طوطی	
مولوی	مثنوی، دفتر سوم	اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل	
مولوی	مثنوی، دفتر چهارم	نصیحت پرنده	
منشی	کلیله و دمنه	بط و ستارگان	
جامی	بهارستان	روبه زیرک	
منشی	کلیله و دمنه	زاغی که بر بالای درختی خانه داشت	
منشی	کلیله و دمنه	خرگوش و شیر	
عنصرالمعالی	قابوس‌نامه	دو مرد زندانی	
مولوی	مثنوی، دفتر پنجم	آهو در طویله خران	

### 3.3 نمونه داستان‌های ارزش‌شناسانه در متون کلاسیک ادب فارسی

از جمله مسائل اساسی فلسفه، بحث ارزش‌شناسی است که در آن به مسائلی چون ارزش، انواع و ماهیت آن پرداخته می‌شود. ایروانی و مختاری (1390) ارزش‌هایی چون راست‌گویی، شجاعت، حق‌گویی، وفای به عهد، و صبر را در قلمروی ارزش‌های فردی محسوب می‌کنند و ظاهرینی، دروغ‌گویی، تهمت، خبرچینی، عهدشکنی، خودخواهی، کم‌صبری، حرص و آز، عجول‌بودن، عدم تعقل را ضد ارزش می‌دانند. در زمینه اجتماعی، ارزش‌ها عبارت‌اند از احترام، قدردانی، کمک به دیگران، دوستی، دفاع از سرزمین، اتحاد، ایثار، مهربانی و ضد ارزش‌ها عبارت‌اند از دزدی، ظلم، جنگ، قهر، تبعیض و عدم آزادی.



از گذشته تاکنون و در میان فلاسفه و سایر متفکران مقوله ارزش و سؤالات مبتلا به آن اهمیت بالایی داشته است. مقوله ارزش‌شناسی خود به دو بخش اخلاق و زیبایی‌شناسی تقسیم می‌شود.

### الف) نمونه داستان‌های اخلاقی در متون کلاسیک ادب فارسی

کاوش در خصوص خوبی‌ها در رفتار انسان از علایق فلاسفه بوده است. دادبه (1378):  
181) اخلاق را این‌گونه تعریف می‌کند:

اخلاق شعبه‌ای از فلسفه است که در ماهیت خوبی و حق، یا به قول فلاسفه، در باب خوبی‌ها و حق‌ها به بحث و گفت‌وگو و کاوش و پژوهش می‌پردازد و می‌کوشد تا روشن سازد که انسان چگونه باید باشد یا در زندگی چگونه باید رفتار کند تا به خوشی و سعادت دست یابد.

فلاسفه در طول تاریخ تلاش کردند تا با طرح مسائل اخلاقی و تفکر درباره آن پاسخ چنین سؤالاتی را به دست آورند. هرچند پاسخ‌های فلاسفه در این خصوص متفاوت است اما پرداختن به چنین سؤالاتی در متون فلسفی و ادبی بسیار است. از آن‌جا که طرح سؤالات فلسفی برای کودکان سخت و دشوار است، می‌توان از داستان‌های موجود در متون کلاسیک ادب فارسی که حاوی داستان‌های فراوانی در زمینه مضامین اخلاقی و اجتماعی است، بهره برد. در ادامه، نمونه داستان ارزش‌شناسانه که به مقوله اخلاق پرداخته، به شکل خلاصه نقل شده و بعد از آن مواردی چون تأمل در داستان برای تفکر بیشتر، پرسش کلیدی برای استخراج سؤال مهمی که برای کودک ایجاد می‌شود و سؤالات احتمالی مطرح شده توسط کودکان درباره داستان ذکر شده و در پایان داستان نیز به ذکر دلایلی پرداخته شده که مناسب داستان را برای استفاده به عنوان محتوای فلسفه نشان می‌دهد.

#### شیخ گرگانی و گربه

پرداختن به سؤالاتی ارزش‌شناسانه می‌تواند به کمک داستان شیخ گرگانی و گربه برای کودکان صورت پذیرد. عطار این داستان را که حکایتی منظوم است در الهی‌نامه آورده است. با این مضمون:

مردی حکیم، گربه‌ای را در خانقاه خود راه داده و با او انس گرفته بود. اهل خانقاه گربه را امین می‌دانستند، تا این‌که روزی از روزها تکه‌گوشتی از آشپزخانه ربوده شد. مستخدمان فهمیدند که گربه آن را برداشته، و یکی از آن‌ها گربه را تنبیه کرد. مرد حکیم به مستخدم

گفت: گربه وفادار بوده و تاکنون بدون اجازه چیزی از خانه بر نداشته است! مستخدم به حکیم جریان دزدی گربه را گفت. مرد حکیم گربه وفادار را بادقت نگرست. گربه که ناراحت بود رفت و بعد از لحظاتی با سه بچه‌ای کوچک که تازه به دنیا آورده بود، نزد حکیم برگشت و در گوشه‌ای نشست. وقتی حکیم به ماجرا پی برد از رفتار مستخدم ناراحت شد، مستخدم هم از تنبیه کردن گربه پشیمان شده بود.

### تأمل در داستان

این داستان به مضامین ارزشی و اخلاقی چون حس نوع‌دوستی، محبت مادری، امانت‌داری، قدرشناسی، و قضاوت عجولانه اشاره دارد که از مسائل مهم فلسفه است. یکی از مسائل مهم مطرح‌شده در فلسفه وجدان است. دادبه (1378) اظهار می‌دارد که وجدان اخلاقی نیرویی درونی است که خیر را از شر و نیک را از بد بازمی‌شناسد و برای انسان تکلیف معین می‌کند.

کانت درباره این که آیا می‌توان دزدی کرد یا خیر می‌گوید:

غیر منطقی است کاری که به ظاهر نتیجه خوبی دارد، بد انجام شود. پس دروغ اشتباه است. چون دروغ گفتن با طبیعت منطقی ما سازگار نیست (وایت، 1389: 30).

سؤالاتی که ممکن است برای کودکان مطرح شود:


- منظور و مفهوم داستان چیست؟
- چرا اهل خانه به گربه اعتماد داشتند؟
- آیا با یکبار اشتباه دیگر نمی‌توان خوب بود؟
- آیا کسی را که به خاطر فرزندانش دزدی کرده باید مجازات کرد؟
- آیا گربه حق داشت از آشپزخانه غذا را بردارد؟

### مناسبت داستان

این حکایت به مضمون اخلاق به عنوان یکی از مباحث مهم ارزش‌شناسی اشاره دارد و در آن به مسئله عدالت در قضاوت و متهم کردن بدون دلیل دیگران پرداخته است. وایت (1389) اظهار می‌دارد این سؤال که «آیا شما آدم عادل هستید؟» مربوط به ارزش‌شناسی است. حکایت شیخ گرکانی و گربه به سبب پرداختن به مفهومی اخلاقی و به سبب منظوم بودن و شیوایی بیان دارای جنبه‌های ادبی و فلسفی است. این داستان گفت‌وگوی مستمری بین خدمت‌کار و شیخ درباره گربه است که می‌تواند به تفکر کودک در خصوص اخلاق کمک کند.

برخی دیگر از نمونه داستان‌های ارزش‌شناسانه در جدول 4 آمده است.

جدول 4. نمونه داستان‌های ارزش‌شناسانه (اخلاق) متون کلاسیک ادب فارسی

عطار	الهی‌نامه	شیخ گرکانی و گربه	
نظامی	هفت پیکر	خبر و شر	
عنصرالمعالی	قابوس‌نامه	تو نیکی می‌کن و در دجله انداز	
مولوی	مثنوی، دفتر چهارم	مرد گلخوار	
ظهیری سمرقندی	سندبادنامه	گربه سفید	

### ب) زیبایی‌شناسی در متون کلاسیک ادب فارسی

یکی دیگر از موضوعات در مقوله ارزش‌شناسی بحث زیبایی‌شناسی است. سجادی (1378) اظهار می‌دارد که زیبایی‌شناسی با سلايق، ذائقه‌ها، و مطالعه زیبایی موجود در طبیعت و هنر و همچنین کیفیات احساس شده ناشی از تجربه سروکار دارد. سؤالی چون «چه چیزی یک شیء را زیبا جلوه می‌دهد؟» از سؤالات مطرح شده در این مقوله است. کیفیات زیبایی‌شناختی ارزش‌مندند اما همیشه به آسانی قابل وصول نیستند. پرداختن به چنین مقوله و سؤالاتی را می‌توان به کمک داستان برای بچه‌ها مطرح کرد. در ادامه نمونه داستان ارزش‌شناسانه که به مقوله زیبایی‌شناسی پرداخته، به شکل خلاصه نقل شده و بعد از آن مواردی چون تأمل در داستان برای تفکر بیشتر، پرسش کلیدی برای استخراج سؤال مهمی که برای کودک ایجاد می‌شود و سؤالات احتمالی مطرح شده توسط کودکان درباره داستان ذکر شده و در پایان داستان نیز به ذکر دلایلی پرداخته شده که مناسبت داستان را برای استفاده به عنوان محتوای فلسفه نشان می‌دهد.

### طاووس و زاغ

جامی در بهارستان داستانی دارد با نام طاووس و زاغ که حکایتی مشهور در میان حکایات داستانی است، با این مضمون:

طاووسی و زاغی در صحن باغی فراهم رسیدند و عیب و هنر یک‌دیگر را دیدند. طاووس به زاغ گفت: این موزه سرخ که در پای توست، لایق اطلس زرکش و دیبای منقش من است. همانا که آن وقت که از شب تاریک عدم، به روز روشن وجود می‌آمده‌ایم در پوشیدن موزه غلط کرده‌ایم. من موزه کیمخت سیاه تو را پوشیده‌ام و تو موزه ادیم سرخ مرا. زاغ گفت: حال بر خلاف این است؛ اگر خطایی رفته است، در پوشش‌های دیگر رفته

است، باقی خلعت‌های تو مناسب موزه من است؛ غالباً در آن خواب‌آلودگی، تو سر از گریبان من بر زده‌ای و من سر از گریبان تو. در آن نزدیکی کشفی سر به جیب مراقبت فرو برده بود و آن مجادله و مقابله را می‌شنود. سر برآورد که ای یاران عزیز و دوستان صاحب تمیز! این مجادله‌های بی‌حاصل را بگذارید و از این مقابله بلاطائل دست بردارید. خدای تعالی همه‌چیز را به یک کس نداده و زمام همه مرادات در کف یک‌کس نهاده. هیچ‌کس نیست که وی را خاصه‌ای داده که دیگران را نداده است و در وی خاصیتی نهاده که در دیگران نهاده، هر کس را به داده خود خرسند باید بود و به یافته خشنود.

### تأمل در داستان

در حکایت طاووس و زاغ به زیبایی تن و ملزومات آن و این‌که هر موجودی در خود زیبایی‌هایی را دارد و همه زیبایی‌ها به یک موجود تعلق ندارد، اشاره شده است. زیبایی‌شناسی از مقولات مورد علاقه فلاسفه است که در طول تاریخ مورد توجه فراوان بوده است. همچنین بحث از مطلق و نسبی بودن زیبایی از مسائل مهم فلسفی است. دادبه (1378) اظهار می‌دارد که زشتی‌ها و زیبایی‌ها ثابت و مطلق نیستند و در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و نسبت به افراد و اجتماعات مختلف تغییر می‌کنند. چنان‌که وحشیان زیبایی را در لب کُلفت و خالکوبی سبز می‌دانند و یونانیان آن را در نوع جمله‌های انشایی می‌دانند.

سؤالاتی که ممکن است برای کودکان مطرح شود:

- منظور و مفهوم داستان چیست؟
- چرا طاووس همه زیبایی‌ها را برای خود می‌خواست؟
- چرا زاغ پرهاى طاووس را در شأن خود می‌پنداشت؟
- آیا طاووس با پاهای زاغ زیباتر می‌شد؟
- آیا می‌توان همه زیبایی‌ها را در یک موجود دید؟

### مناسبت داستان

این حکایت که گفت‌وگوی مستمری است بین زاغ و طاووس است، به فهم بهتر مقوله زیبایی کمک می‌کند. مقوله زیبایی و ملزومات آن بحثی فلسفی است و سال‌ها فیلسوفان با آن رویه‌رو بوده‌اند. ارسطو معتقد است زیبایی عبارت است از هماهنگی و تناسب و نظم آلی اجزا در کل به‌هم‌پیوسته. بدین معنی که یک کل یا یک چیز وقتی زیباست که اجزای آن متناسب و هماهنگ باشد (دادبه، 1378: 231).

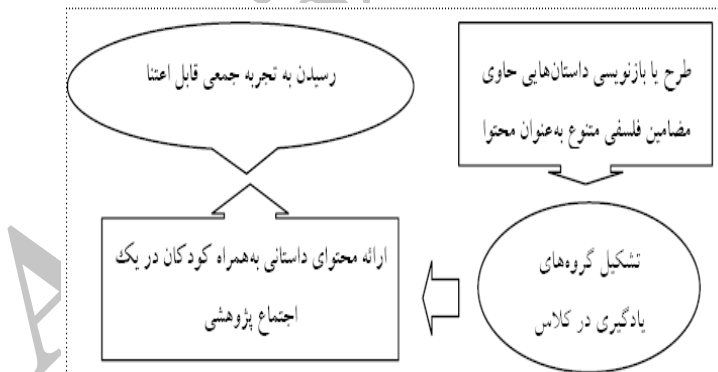
استفاده از غنای ادبی و گفتمان شخصیت‌های داستان در یک اجتماع پژوهشی امکان

فلسفیدن را برای کودکان فراهم می‌سازد. برخی دیگر از نمونه داستان‌های ارزش‌شناسانه (زیبایی‌شناختی) در جدول 5 آمده است.

جدول 5. نمونه داستان‌های ارزش‌شناسانه (زیبایی‌شناختی) متون کلاسیک ادب فارسی

نظامی	لیلی و مجنون	لیلی و مجنون	داستان‌های ارزش‌شناسانه
جامی	بهارستان	طاووس و زاغ	
مولوی	مثنوی، دفتر پنجم	پَر زیبا دشمن طاووس	
عنصرالمعالی	قابوس‌نامه	اشتر و ابله	
سنایی	حدیقه	آینه و زنگی	

با توجه به آنچه گفته شد، داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی مضامین مهم در طول تاریخ فلسفه را در خود جای داده‌اند و به سبب غنای ادبی بالا برای استفاده کودکان و ایجاد علاقه در آن‌ها مناسب است. همچنین داستان‌های مذکور بدان سبب که از متون ادب فارسی استخراج شده‌اند، مشکل فرهنگ و ابستگی همچون متون داستانی لیپمن را نخواهند داشت. بنابراین چنانچه این داستان‌ها به گونه‌ای بازنویسی شوند که بتوان از آن‌ها در اجتماع پژوهشی استفاده کرد، امکان دست‌یابی به جنبه‌های بیش‌تری از واقعیت فلسفه برای کودکان فراهم می‌شود. نحوه استفاده از چنین داستان‌هایی در شکل 2 آمده است.



شکل 2. نحوه استفاده از داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی

همان‌طور که در شکل 2 نشان داده شده است، چنانچه محتوایی (داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی) با حکایاتی همچون خیاط و کوزه، تو نیکی می‌کن و در دجله انداز، طوطی و بازرگان، اشتر و ابله، پادشاه و کنیزک، سه ماهی که در آبگیری بودند، اختلاف

کردن در چگونگی و شکل پیل، خرگوش و شیر، عشق مورچه، نصیحت پرنده، گربه سفید، شیخ گرکانی و گربه، طاووس و زاغ، بقال و طوطی، مریضی ملا و تعطیلی مکتب‌خانه و ... که سرشار از مضامین فلسفی هستند و از متون کلاسیک ادب فارسی همچون شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، سندیادنامه، قابوس‌نامه، الهی‌نامه، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، حدیقه‌الحقیقه، گلستان، بوستان، بهارستان، مخزن‌الاسرار و ... به دست آمده‌اند، بازنویسی و در یک اجتماع پژوهشی به کار برده شوند، ضمن مرتفع‌نمودن ایراد رویکردهای فرایندی و محتوایی، ارتباط فلسفه و ادبیات و فرهنگ و وابستگی متون داستانی را نیز مد نظر قرار می‌دهند.

#### 4. نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که داستان‌های موجود در فلسفه برای کودکان به‌رغم برخی تفاوت‌ها، دارای وجوه مشترکی نیز هستند، از جمله این‌که به مسائلی در فلسفه همچون هستی، شناخت یا ارزش اشاره دارند و همچنین از نظر ادبی خاصیت داستانی داشته و کودکان را برای تلاش فکری برمی‌انگیزاند. بنابراین با نظر به این‌که متون کلاسیک ادب فارسی از غنای ادبی و مضمونی ارزش‌مند برخوردارند به جست‌وجوی مضامین فلسفی چون هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی، و ارزش‌شناسی در این داستان‌ها پرداخته شد. در پاسخ به این سؤال پژوهشی که آیا داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی دارای مضامین فلسفی‌اند نتایج این پژوهش نشان داد، در متون کلاسیک ادب فارسی داستان‌هایی با مضمون هستی‌شناسانه، شناخت‌شناسانه، و ارزش‌شناسانه وجود دارد که در برخی از این داستان‌ها می‌توان چندین مسئله فلسفی را نیز دنبال کرد. به علاوه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به جای توجه به رویکردهای منفرد در برنامه فلسفه برای کودکان، رویکرد بدیلی را تعبیه کرد تا فلسفه به‌مثابه روش، محتوا، ادبیات و فرهنگ به صورت توأمان مورد توجه قرار گیرد. در چنین برداشتی می‌توان مفهوم فلسفه برای کودکان را از یک سو با سایر فعالیت‌های مربوط به آموزش تفکر متمایز کرد و از سوی دیگر به برنامه فلسفه برای کودکان غنا بخشید. بدین ترتیب می‌توان ضمن استفاده از نقاط قوت برنامه‌های تعلیم و تربیت مرسوم همچون ساعت تفکر و پژوهش پایه ششم از ظرفیت‌های موجود در فرهنگ ایرانی به‌خصوص داستان‌های کهن منظوم و مثنوی ادب ایران زمین برای تدوین و توسعه برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در ایران بهره گرفت.

## منابع

- اعتصامی، پروین (1385). *دیوان اشعار*، به کوشش ابوالفتح حکیمیان، تهران: پژوهش.
- ایروانی، شهین و خدیجه مختاری (1390). «جایگاه مفاهیم فلسفی در ادبیات داستانی کودک ایران»، *مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات دانشگاه شیراز*، (3).
- پناهی، مهین (1390). «بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و متیو لیپمن»، *تفکر و کودک*، 2 (1).
- پیکمال، میشل (1390). *حکایت‌های فلسفی برای با هم بودن*، ترجمه مهدی زرغامیان، نشر آفرینگان.
- تقوی، محمد (1376). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*، تهران: روزنه.
- جامی، عبدالرحمن (1371). *بهارستان*، تصحیح اسماعیل حکیمی، تهران: اطلاعات.
- جهانی، جعفر (1380). «قد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزش تفکر انتقادی ماتیو لیپمن»، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- حسینی، سیدحسام (1387). «بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی دوره ابتدایی جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت.
- خارستانی، اسماعیل (1387). «تبیین تطبیقی اهداف و روش‌های آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد.
- دادبه، اصغر (1378). *کلیات فلسفه*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- رمضان‌پور، شیوا (1387). «بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی آموزش فلسفه به کودکان پایه سوم ابتدایی بر پرورش مهارت‌های شهروندی آنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء.
- سجادی، سید مهدی (1378). *چند مبحث اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: امیرکبیر.
- سجادیان جاغوق، نرگس (1386). «طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه اول ابتدایی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین (1369). *بوستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- سنایی غزنوی، مجدود بن آدم (1368). *حدیقه‌الحقیقه*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عطار، فریدالدین (1364). *الهی‌نامه*، به تصحیح فؤاد روحانی، تهران: زوار.
- علوی، سیدحمیدرضا (1386). *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی - تربیتی*، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر.
- عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر (1335). *قابوس‌نامه*، به تصحیح امین عبدالمجید بدوی، تهران: ابن سینا.
- فردوسی، ابوالقاسم (1384). *شاهنامه*، براساس نسخه چاپ مسکو، تهران: پیمان.
- فرزانفر، جواد (1389). «بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش قصه و داستان در رشد و پرورش روحیه فلسفی در کودکان»، رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.

- فرمهبینی فراهانی، محسن، محمدحسن میرزامحمدی، اسماعیل خارستانی (1387). «تبیین تطبیقی اهداف آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف» حکمت و فلسفه، 4 (4).
- قائدی، یحیی (1382). «نقد و بررسی مبانی، دیدگاه‌ها و روش‌های آموزش فلسفه به کودکان» پایان‌نامه دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.
- قزل ایاغ، ثریا (1389). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن، تهران: سمت.
- قضاوی، فاطمه (1386). «نقد و بررسی آموزش فلسفه به کودکان در پایه سوم پیکسی، بر اساس اصول برنامه‌ریزی درسی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کارل، هاوی و گامز، دیوید (1389). فلسفه به مثابه روش، ترجمه سیدمحمد علوی و همکاران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- گارد، یوستاوین (1390). دنیای سوفی، داستانی درباره تاریخ فلسفه، ترجمه کورش صفوی. تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- گریز، آرنولد (1383). فلسفه تربیتی شما چیست؟ ترجمه بختیار شعبانی ورکی و دیگران، مشهد: به‌نشر.
- مختاری، خدیجه (1386). «تحلیل محتوای ادبیات داستانی کوتاه در ایران از منظر جایگاه آموزش مفاهیم فلسفی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران.
- مرعشی، منصور (1385). «بررسی تأثیر روش اجتماعی پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز» رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- مگی، برایان (1388). داستان فلسفه، ترجمه مانی صالحه علامه، تهران: کتاب آه.
- منشی، نصرالله (1362). کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (1384). مثنوی، تصحیح، مقدمه و کشف‌الایات قوام‌الدین خرمشاهی، تهران: دوستان.
- ناجی، سعید (1387). کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، گفت‌وگو با پیشگامان، ج 1، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ناجی، سعید (1383). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان مروری بر پارادایم جدید آموزش و پرورش» فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی (40).
- ناجی، سعید (1384). «فلسفه برای کودکان و نوجوانان در گفت‌وگو با سعید ناجی» مجله پژوهشگران، ش 3.
- نظامی گنجوی (1383). لیلی و مجنون، به روایت پری صابری، تهران: قطره.
- نظامی گنجوی (1389). هفت پیکر، تصحیح حسن وحیدی دستگردی، تهران: زوار.
- وایت، دیوید (1389). فلسفه برای کوچک‌ترها، ترجمه تبنا حمیدی، تهران: قطره.
- ویت، جرمی (1387). گردش در دنیای فلسفه برای جوانان، ترجمه رضا بهار، تهران: قطره.
- هاشمی، محمد (1385). «بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب‌های درسی پایه پنجم ابتدایی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.



هدایتی، مهنروش (1387). «بررسی تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان، به صورت اجتماع پژوهشی بر افزایش عزت نفس و بهبود روابط میان فردی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران»، رساله دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

- Finocchiaro, M. (1993). "Philosophy as Critical Thinking", In: M. Lipman (ed.), *Thinking Children and Education*, U.S.A: Kendall/ Hunt Publishing Company.
- Gina, M. (2004). "Democracy as Morality Using Philosophical Dialogue to Cultivate Safe Learning Communities", *Analytic Teaching and Philosophical praxis*, 29 (1).
- Golding, C. (2007). "Pragmatism, Constructivism and Socratic Objectivity: The Pragmatist Epistemic Aim of Philosophy for Children", *Proceedings of 36th Annual Conference of the Philosophy of Education Society of Australasia*, Wellington, New Zealand
- Lipman, M. (1991). *Thinking in Education*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyle, S. & Thomas-Williams, J. (2012). "Dialogic Practice in Primary Schools: How Primary Head Teachers Plan to Embed Philosophy for Children into the Whole School", *Educational Studies*, 38(1).
- Murris K. (2000). "Can Children Do Philosophy?" *Journal of Philosophy of Education*, 34 (2).
- Murris, K. (2008). "Philosophy with Children, the Stingray and the Educative Value of Disequilibrium", *Journal of Philosophy of Education*, 42(3-4).
- Vansielegheem, N. (2010). "What is Philosophy for Children, How do We Have to Understand Her Critical Voice? From an Educational Experiment to Experimental Education", *Proceedings of 39th Annual Conference of the Philosophy of Education Society of Australasia*, Wellington, New Zealand.